



اصالت سنجی

مقاله ترویجی

خلاصه انگلیسی این مقاله با عنوان:
Investigating the design tricks of
residential settlements to improve
environmental security
در همین شماره به چاپ رسیده است.

شهرسازی ایران، دوره ۳، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۹، صفحه ۳۶ - ۴۹

تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۷، تاریخ بررسی اولیه: ۹۹/۲/۱۳، تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۷، تاریخ انتشار: ۹۹/۶/۱

بررسی ترندهای طراحی سکونتگاه‌های مسکونی جهت ارتقا امنیت محیطی

محمد رجبی ثانی*

کرامت اله زیاری

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، واحد تهران مرکز، تهران
استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران، تهران

چکیده: تا پیش از سال ۱۹۸۰ اکثر اطلاعات ما درباره‌ی جرم و جنایت از آمارهای رسمی جرم می‌آمد، که تنها شامل جرم‌های گزارش شده و ثبت شده توسط پلیس می‌شد. با این حال، در سال‌های اخیر بررسی‌های محلی و ملی جرم و جنایت به خوبی میزان اطلاعات موجود را افزایش داده‌اند. همراه با یکدیگر، این بررسی‌ها نشان داده‌اند که جرم و جنایت بسیار گسترده‌تر از آن که پیش از این ثبت شده است، بیش از دو برابر حد سرقت؛ پنج برابر اکثر جراحات‌ها و ده برابر بیشتر از خراب کاری. روش تحقیق پژوهش حاضر تحلیلی و اسنادی است که با بهره گرفتن از منابع و دست‌آورد‌های صاحب‌نظران بروز فعال در طراحی محیطی شهر منجر به کاهش جرائم شهری بر آن بوده که در پی تبیین موضوع روش‌ها و راه‌کارهایی را در راستای امر فوق، پیش‌رو گذارد. بر این اساس، رویکردهای جلوگیری از جرائم از طراحی محیطی در حوزه‌های منظر، شهر و مسکن مورد توجه برنامه‌ریزان و صاحبان اندیشه حوزه معماری و شهرسازی قرار دارد. مقاله حاضر نیز به امید بهره از تحقیقات و تجارب موجود در سال‌های پایانی سده بیستم به عنوان پایلوت‌های تجربی به رشته تحریر درآمده است.

واژگان کلیدی: طراحی مسکن، راه‌کار طراحی، امنیت شهری، پیشگیری از جرم

*مسئول مکاتبات: rajabi.m@gmail.com

۱- مقدمه

اهمیت سیاست‌ها، برنامه‌ها و تدابیر پیشگیری از جرم با توجه به ناکارآمدی نظام عدالت کیفری در مبارزه با جرم غیرقابل انکار است. یکی از انواع راهبردهای پیشگیرانه‌ی مکانیکی از جرم "پیشگیری از جرم از طریق طراحی مسکن" است.

در سال‌های اخیر، "جرم" به عنوان یکی از نگرانی‌های عمده در اکثر نظرسنجی‌های ملی و محلی انجام شده در مورد مسائل اجتماعی و کیفیت زندگی شناخته شده است. مطالعه‌ی اخیر دانشگاه "گلاسکو" در مورد "کیفیت زندگی" نشان داد که سطوح پایین جرم، عامل مطلوب زیست محیطی اعلام شده توسط عموم مردم بودن است. مرکز تحقیقاتی دریافت که در

عرض سه سال پس از اولین بررسی، جرم از مکان سوم در فهرست مشکلات شناسایی شده تاثیرگذار در محله به مکان اول نقل مکان کرده است. این امر در مقایسه با میزان ۷۱٪ در سال ۱۹۸۶، این بار از جانب ۵۸٪ از افراد بیان شده است.

ارتباط میان سطوح جرم و بزهکاری با طراحی مسکن نیز موضوع بحث‌ها و پژوهش‌های بی‌شماری بوده است. وقتی به دنبال ساده‌ترین پاسخ‌ها برای جرم و مشکلات اجتماعی هستیم، به راحتی به سرزنش طراحی می‌پردازیم که دیگر فاکتورها را در نظر نگرفته است، فاکتورهایی نظیر سبک مدیریت مسکن، نحوه اجاره داری، سطح محلی بیکاری و امکانات موجود اجتماعی. طراحی به‌خودی خود، موجب رخ دادن جرم

یا تبدیل شدن افراد به مجرم نمی‌گردد. با این حال به نظر می‌رسد که برخی از ویژگی‌های طرح مشکلات جرم‌های محلی را تشدید می‌کنند، اگر چه همین ویژگی‌ها در موقعیتی متفاوت ممکن است همان اثر را داشته باشد.

اگر چه جرم و جنایت و یا ترس از آن، می‌تواند اثر چشمگیری و مخربی بر روی زندگی روزانه‌ی مردم داشته باشد، اما مردم اغلب درکی اغراق‌آمیز و نادرست از ماهیت واقعی و سطح جرم و جنایت دارند. معماران، برنامه‌ریزان و مدیران مسکن باید همراه با هم و با مردم و جوامع محلی کار کنند تا تصویر دقیقی از آنچه اتفاق می‌افتد، بسازند؛ و سعی کنند تا مشکلات موجود را پیش از این که بتوانند راه‌حل‌ها را فرمول‌بندی کنند، بشناسند.

تا پیش از سال ۱۹۸۰ اکثر اطلاعات ما درباره‌ی جرم و جنایت از آمارهای رسمی جرم می‌آمد، که تنها شامل جرم‌های گزارش شده و ثبت شده توسط پلیس می‌شد. با این حال، در سال‌های اخیر بررسی‌های محلی و ملی جرم و جنایت به خوبی میزان اطلاعات موجود را افزایش داده‌اند. همراه با یکدیگر، این بررسی‌ها نشان داده‌اند که جرم و جنایت بسیار گسترده‌تر از آن که پیش از این ثبت شده است، بیش از دو برابر حد سرقت؛ پنج برابر اکثر جراحات‌ها و ده برابر بیشتر از خراب کاری. با این حال، شانس قربانی بودن اندک است، چنانچه به‌طور متوسط افراد یک بار در ۲۰۰ سال قربانی سرقت هستند (دزدی یا تلاش برای دزدی با اعمال زور و تهدید)، دزدی از کسی (بدون تهدید یا اعمال زور) برای هر فرد یک بار در ۱۰۰ سال و ایجاد جراحات یک بار در هر ۷۰ سال و در عین حال، خانواده‌ها اکثراً یک بار در هر ۳۷ سال سرقت (یا از دست دادن چیزی)، هر ۵۰ سال یک بار دزدی وسیله نقلیه شان، هر ۹ سال یک بار دزدی وسایل موتوری و هر ۶ سال یک بار خراب کاری را تجربه می‌کنند. اکثر جرم‌ها بدون خشونت‌اند و شامل جرائم ملکی می‌گردند. رایج‌ترین آنها سرقت

وسایل نقلیه موتوری، خراب‌کاری و دزدی می‌باشد. اکثر جرم‌ها توسط افراد جوان صورت می‌گیرند و نیمی از جرم‌های ثبت شده توسط افراد زیر ۲۱ سال انجام گرفته‌اند. نزدیک به دو سوم از خراب‌کاری‌ها توسط افراد در این گروه سنی انجام می‌گیرد. اوج سن محکومیت برای مرد ۱۸ و برلی زن ۱۵ سال می‌باشد. تا قبل از بیست و هشتمین تولدشان، ۳۰٪ از مردان یک محکومیت جنایی داشته‌اند. قبل از سال ۱۹۸۸، اوج سن جنایی مرد ۱۵ سال بود، اما استفاده‌ی روزافزون از هشدارهای پلیس به عنوان مخالف اتهام، منجر به کاهش محکومیت نوجوانان شده است.

پیشگیری از جرم نیاز به دیدگاه وسیع‌تر دارد این دیدگاه باید بر روی نقش اختیارات محلی و دیگر سازمان‌های عمومی و هم چنین پلیس، متمرکز باشد. باید نیازهای خاص گروه‌هایی را در نظر بگیرد که در برابر جرم و جنایت آسیب پذیرند. این چنین دیدگاهی باید سعی کند افراد جوان را از اولین ارتکاب جرم باز دارد و مجرمان جوان را ترغیب کند تا دیگر مرتکب جرمی نشوند. مقوله "جامعه ایمن" برای بازتاب این روش وسیع استفاده می‌شود. وقتی استراتژی پیشگیری از جرم بخشی از یک برنامه کلی برای بازساخت محل باشد، به بهترین نحو می‌توان به آن دست یافت.

تشخیص این امر مهم است که اگر چه مقیاس‌های طراحی می‌توانند نقش مهمی را در کاهش جرم ایفا نمایند، اما در بیشتر موارد آنها نیاز دارند که بخشی از بسته‌ی بزرگ‌تر ایمنی باشند. تجربه نشان داده که این بسته باید شامل اعمال مدیریتی، تسهیلات در دسترس همسایگان (به‌ویژه برای جوانان) و پلیس مناطق مسکونی باشد. از آنجایی که این نوشتار بر روی نقش طراح و کاری که می‌تواند برای بهبود امنیت ساکنین انجام دهد تمرکز دارد، تاکید بیش تر آن بر روی مقیاس‌های طراحی خواهد بود. و بر آن است که از طریق آنها؛ معماران، برنامه‌ریزان و مدیران مسکن می‌توانند پیشگیری از جرم و جنایت را توسط یک

طراحی بهتر در دیدگاهی وسیع تکامل بخشند.

۲- مبانی نظری

در بیان تاثیر طراحی بر روی جرم و جنایت استدلال می‌شود برای این که فردی جرمی مرتکب شود، سه مولفه اساسی لازم است: " توانایی، فرصت و انگیزه". تامین امنیت ساختمان از طریق تلاش‌های طراحی برای از بین بردن و یا کاهش توانایی مزاحمت و فرصت ارتکاب جرم می‌باشد. این امر به نوبه خود انگیزه آنها را کاهش می‌دهد.

" بنت " و " رایت " (۱۹۸۴) به بررسی برخی از مفروضات اساسی "پیشگیری از جرم موقعیتی" و "نظریه بازدارندگی" با اخذ نظرات خود مجرمان، پرداختند. مطالعه آنها درباره روش‌های سارقان، براساس اطلاعاتی بود که از خود سارقان دستگیر شده، گرفته شده بود. اگر چه اعتبار این چنین پاسخی سوال برانگیز است، زیرا اینها سارقانی هستند که با شکست روبرو شده‌اند و سارقان موفق می‌توانند روش‌های دیگری داشته باشند؛ ولی یافته‌های آنها با نتایج مطالعات "جکسون" و "وینچستر" (۱۹۸۲) همخوانی داشت. مطالعه آنها در رابطه با قربانیان و غیرقربانیان سرقت در کنت بود.

پژوهش بنت و رایت نشان داد که اکثر خانه‌ها بنا بر دلایلی مستقل از میزان امنیتشان، هدف سرقت قرار می‌گیرند. اما دلیل اصلی آن، این است که سارق می‌تواند بدون این که دیده شود، به راحتی به هدف دست یابد.

"آلات" نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که یک مکان معمولی در مقایسه با یک محل کنترل شده، - جایی که سرقت از آن برخواسته بوده است - سرقت برای حدود یک سال ساکن مانده و تلاش برای سرقت نیز کاهش یافته است.

ویلسون و کلینک (۱۹۸۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان "پنجره‌های شکسته" در مجموع زوال فضای فیزیکی مخصوصاً به همراه رفتارهای بی‌نظمانه را عامل

وقوع جرائم و خشونت‌ها می‌دانند.

تحقیقات روانشناسی محیطی (فیشر، ناسال، ۱۹۹۲ گرینبرگ، روهه و ویلیامز، ۱۹۸۲. مجارجی، ۱۹۷۷. ناسی، تیتلبام و پراثر، ۱۹۷۷. نیومن، ۱۹۷۳-۱۹۹۵) نیز رابطه قوی بین خشونت و محیط فیزیکی - اجتماعی در پروژه‌های خانه‌سازی، زندان‌ها و مجاورت خانه‌ها نشان داده‌اند.

موسسه مطالعات پیشرفته‌ی معماری در سال ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ مطالعاتی در این زمینه به انجام رسانده است. پل استولارد و وارن نیز در تالیف کتاب "روند طراحی خانه‌ها" به این مهم پرداخته‌اند. از سویی کارن کروچر و پل استولارد و استیو اوسبورن و هنری شافتوی در کتاب "همسایگی‌های من" روش‌های بهبود املاک و مساکن برای کاهش جرم و ارتقاء امنیت جامعه را مورد پژوهش قرار داده‌اند.

دیدگاه‌های قدیمی به پیشگیری از جرم نیز خیلی کم به دلایل جرم و جنایت اشاره دارند. آنها فرض می‌کنند که سطح بالایی از جرم و جنایت اجتناب‌ناپذیر است و مردم باید خودشان در مقابل آن از خود دفاع کنند. پرداختن شدید به جرم و جنایت می‌تواند افراد مسن و کسانی که تنها زندگی می‌کنند را بترساند و یا مضطرب سازد. طرح‌های سازمانی "دیده‌بان هوشیار محله" می‌توانند جوی شک‌برانگیز و تناقض آفرین را ایجاد نمایند.

هر چند ساختمان‌ها و محوطه آنها نیاز به طراحی‌ای با امنیت کافی دارند، تکیه‌ی زیاد بر روی مقیاس‌های دفاعی می‌تواند مشکلات دیگری را به وجود آورد. در جایی که از مردم خود را در پشت قفل‌ها قرار می‌دهند و یک جو ذهنی مشکوک برای خود می‌سازند، پدیده‌ی "زندان ذهن" می‌تواند گسترش یابد. وقتی افراد مجبور باشند با کلیدهای اضافی، تلفن‌های داخلی، مداربسته‌ی تلوزیونی، آژیرهای خطر برای سرقت، سگ‌های محافظ و آژیرهای بلند در مغازه‌ها و خانه‌ها سروکار داشته باشند، تحرک و آزادی‌شان مختل

کتاب "جرم شناسی" احتمال روی دهی جرایم را از طریق ایجاد فرصت‌هایی می‌داند که از نابسامانی طراحی محیط مصنوع و ناکارآمدی قوانین و استانداردهای حاصل می‌شود.

- کلارک و می هیو (Clark; Mayhew; 1984) نقش موانع طبیعی و بازدارنده‌های موقعیتی را در کاهش فرصت‌دهی برای تجاوزات و جرایم شهری مطرح است.

- تیم کرو (Crowe; 1991) مسئول برنامه‌های آموزشی جهانی CPTED، در کتاب "جلوگیری از جرایم از طریق طراحی محیطی (CPTED)"، به ارائه استراتژی و روشمندی این مفهوم می‌پردازد و کنفرانس‌های جهانی در این باره به بررسی این موضوع می‌پردازند.

۱-۲- تئوری‌های طراحی ایمنی

"رند" (۱۹۷۹) چهار تئوری را برای پیشگیری از جرم در طراحی محیطی بیان کرده است: "کنترل اجتماعی، کنترل محصور/ دسترسی، عدالت کیفری و فضای دفاع پذیر". تمامی این تئوری‌ها بر پایه یک قضیه ثابت شده‌اند که مسکن‌سازی چندگانه اثرات جانبی اجتناب‌ناپذیری دارد که برخی اوقات نامطلوبند و امکان این وجود دارد که برای اجتناب از این موارد راهنمایی تکمیل شوند، در حالی در برابر غریبه‌ها، افرادی هم هستند که تماس فیزیکی نزدیک با محیط دارند.

"گاردینر" (۱۹۷۸) اشاره کرد که طراحی برای دفاع و محافظت از خانه کسی مقوله جدیدی نیست، بلکه خیلی هم قدیمی شده است. اگر چه به جای دفاع در برابر یک دشمن شناخته شده خارجی، دشمن حالا چیزی در میان جامعه است. گاردینر برای طراحی یک محیط امن، سه مدل مفهومی را ارائه می‌کند: "روستای شهری، دژ شهری و فضای حفاظت پذیر". این دسته‌بندی‌ها با تئوری‌های پیشنهادی رند متناظرند، روستای شهری با کنترل اجتماعی و دژ شهری با کنترل محصور و عدالت کیفری متناظر است.

می‌گردد. هم چنین این امکان وجود دارد که تعیین مجرم، منجر به به‌کارگیری نیروی بیش تر برای رسیدن به اهدافشان گردد و سخت‌افزار پر هیاهو دفاعی، حتی ممکن است به یک چالش و مشوق متخلفان تبدیل گردد. هم چنین ممکن است تضادی بین منافع ایمنی آتش و جلوگیری از دسترسی غیرقانونی به وجود آید. در روند تاریخی پیشگیری از جرایم با کمک طراحی محیطی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- در کتاب "مرگ و زندگی در شهرهای آمریکایی" جین جاکوبس (Jacobs; 1961; pp.34-63) به نیاز به خیابان‌های ایمن در شهر اشاره می‌شود و به جداسازی و تشخیص مکان‌های عمومی و خصوصی، تنوع کاربری و اختلاط آنها در سطح شهر اشاره شده و بر استفاده موثر و بازدارنده حضور عابران پیاده در مناطق شهری برای کاهش احتمال وقوع جرایم در پی امکان نظارت بیشتر پرداخته است.

- رای جفری در کتاب (Jeffrey; 1971; pp.54-87) "جلوگیری از جرایم شهری با طراحی محیطی" به کاهش پتانسیل طبیعی جرم خیزی مناطق شهری اشاره می‌کند.

- اسکار نیومن (Newman; 1972; pp.54-86) در کتاب فضاهای قابل دفاع "می‌آورد شهروندان باید ببینند و دیده شوند و مشتاق به گزارش وقوع جرایم شهری باشند.

- جرج کلینینگ و ویلسون (Willson; 1982; pp.29-) (38) با ارایه تئوری "پنجره‌های شکسته" بیان می‌دارد که بیشتر جرایم به دلیل وجود پتانسیل‌های طبیعی جرم‌خیزی مناطق شهری، امکان تحقق می‌یابند، چنان چه بزعم ایشان در واقع این پنجره‌های شکسته هستند که فرصتی را برای ارتکاب. احتمال وقوع جرایم در سطح شهر، فراهم می‌آورند.

- پل براتینگهام (Brantingham; 1981; p.54) در

آورد.

۴-۲- عدالت کیفی

این رویکرد بر روی حضور نیروهای امنیتی به عنوان بازدارنده اولیه از جرم و جنایت متمرکز است. می‌تواند به این معنی باشد که پیشگیری از جرم با حضور پلیس با مشخصات فوق، یا نظیر بخش‌هایی از ایرلند شمالی با استفاده از نظامیان ارتش انجام می‌گیرد. طراحی مسکن بر روی این شرط متمرکز است که جاده‌ها در طراحی برای گشت‌های امنیتی حداکثر دسترسی مطلوب را داشته باشند. خیابان‌ها به منظور فراهم آوردن دسترسی روشن و بدون ابهام و ایجاد فرصت گشت‌زنی اتومبیل‌ها در تمامی مناطق، بر روی یک شبکه قرار می‌گیرند. بن بست‌ها به شکل مجراهای بسته‌ای هستند که در بعضی مواقع تله‌های بالقوه‌ای محسوب می‌گردند، از این رو چندان مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. "استولارد" (۱۹۸۴) به عنوان مثالی جالب یکی از املاک و مسکن کاتولیک در بلغاست را نشان داد که در آن به علت این دلایل؛ جمع‌آوری کنندگان زباله پروتستان از جمع‌آوری زباله از اطراف بن بست‌ها خودداری نمودند.

۵-۲- فضاهای قابل دفاع

این رویکرد نشان می‌دهد که وقتی فعالیت‌های بالقوه ضد اجتماعی در یک فضای فیزیکی تحت نظر شکل بگیرند، احتمال جرم و جنایت کم‌تر است. اثر نظارت به عنوان یک مکانیزم کنترل با یکدیگر در ارتباط باشند. این نظریه می‌رود که نشان دهد مجرمان بالقوه بیشتر مایلند در مناطقی مرتکب جرم شوند که تصور می‌شود تحت تاثیر جامعه‌ی اطرافشان هستند. این ضمانت نشان می‌دهد که تعداد زیادی از جرم‌ها خود به خودی هستند و در واکنش نسبت به فرصت‌هایی رخ می‌دهند که در تنظیماتی ناشناس خودشان حضور یافته‌اند.

"اسکار نیومن" (۱۹۷۲) برای توصیف محیط مسکونی طراحی شده به گونه‌ای که اجازه دهد

برطبق این تئوری‌های دسته‌بندی شده رند، برای پیشگیری از جرم و جنایت در طراحی محیطی، بدین ترتیب‌اند:

۲-۲- کنترل اجتماعی

براساس کار "جین جیکوبز" (۱۹۶۱)؛ این دیدگاه نشان می‌دهد که خیابان‌ها مملو از غریبه‌ها و نظارت‌های غیرطبیعی یا غیرفعال هستند. (کنترل اجتماعی ناخودآگاه) و این امر از تنوع و کاربرد ناشی می‌گردد. موسسات تجاری مردمی در مقابل خود و خیابان‌ها جمع می‌کنند که برای آنها منافع اختصاصی به همراه دارد و مغازه‌ها نیز دلیلی برای استفاده مردم از خیابان‌ها می‌باشند. مشاهده جیکوبز به نقش تجاری تسهیلات این نظریه را برمی‌گرداند که این فضاهای عمومی جرم و جنایت را جذب می‌کنند.

۳-۲- کنترل دسترسی / محصور

این مقوله رویکرد سنتی معطوف به هدف برای طراحی ایمن است. نظریه این است که اگر در محیط جامعه یا مسکن‌های استیجاری امنیت به خوبی فراهم آید، پتانسیل تعامل زندگی اجتماعی با جامعه افزایش می‌یابد و بنابراین احتمال دستیابی یک غریبه و ارتکاب جرم، کم می‌شود. محیط می‌تواند به صورتی طراحی شود که موجب تضعیف و حتی جلوگیری از دسترسی جنایی گردد (برای مثال، فرودگاه‌ها به منظور جلوگیری از حمل اسلحه با چک‌های امنیتی طراحی می‌گردد)؛ متأسفانه حتی مقیاس‌ها و اقدامات استادانه نیز همیشه صد در صد موفق نیستند.

در محیط داخلی کوچک‌تر سنجش‌های مقیاسی پیشنهاد می‌شوند که دامنه‌شان از درب ورودی مسکن تا سیستم‌های هشدار پیچیده می‌باشد. با این حال، برای کار کردن این موارد، جامعه اطراف که به این اقدامات امنیتی نیاز دارد باید همگن باشد. علاوه بر این، شکل‌گیری این چنین مناطقی می‌تواند با استخراج پاسخ‌های قشنگ‌تر به مزاحمت‌های خارجی یا با جایابی جرم به مناطق اطراف مشکلاتی را نیز به وجود

خانواده‌ها ناظر و مسئول محلی که در آن زندگی می‌کنند، باشند، از اصطلاح "فضای دفاع پذیر" استفاده کرد. نیومن برای تشویق شبکه‌های کنترل اجتماعی چهار جزء اصلی یک طراحی خوب را پیشنهاد داد، او ادعا می‌کند که این شبکه‌ها با شهرنشینی، فشار جمعیت و تکنیک‌های جدید ساخت و ساز دچار فرسایش شده‌اند. این چهار مولفه عبارتند از:

ایجاد حکومت مستقل ناحیه‌ای: تقسیم ساختمان‌ها و زمین‌ها در نواحی موجب تضعیف ورود بیگانگان و ترغیب دفاع ساکنین از مناطقتان می‌گردد. نظارت و مراقبت: طراحی ساختمان اجازه‌ی نظارت آسان از ناحیه‌ی مربوط را می‌دهد.

تجسم: طراحی مسکن دولتی برای جلوگیری از فضاحت.

محیط: پهلوی هم قرار دادن پروژه‌های مسکن دولتی با مناطق امن در نواحی مجاور.

در راستای این چارچوب نیومن اظهار می‌دارد که چگونه پروژه‌ها باید برای کاهش جرم طراحی شوند، وی به‌ویژه بر روی مورد اول تاکید دارد. کار نیومن به‌طور گسترده‌ای از دو فقره اصلی مورد انتقاد قرار گرفت. اول، به دلیل این تمرکز جبر معماری نسبت به دیگر طراحی‌ها به مولفه‌ها به مراتب کمتر است. دوم، اسلوب‌شناسی ناکافی پژوهش او، "ویلسون" (۱۹۷۸) یک امتحان جامع برای ایده‌های نیومن انجام دادی رابطه مستقیمی میان ویژگی‌های طراحی و خراب کاری پیدا نکرد. او چگالی کودک را به عنوان مهم‌ترین فاکتور تعیین‌کننده‌ی سطوح خراب‌کاری‌های گزارش شده معرفی کرد.

همانند دیدگاه‌های کنترل محصور/دسترسی، نظریه‌ی فضای دفاع‌پذیر نشان داد که خلق محله‌ای قابل شناسایی با استفاده از مرزهای محدود منجر به این می‌شود که ساکنین حس مالکیت بیشتری به محیط داشته باشند، این امر براساس ایده‌ی مفروض مالکیت مستقل ناحیه‌ای می‌باشد (یعنی کدهای فردی و جمعی

به محیط واکنش نشان می‌دهند).

به دنبال ایده‌های نیومن، پوینر (۱۹۸۲) مفاهیم طراحی را استنتاج نمود و به شکل الگوهایی خلاصه نمود. هدف این الگوها، کاهش فرصت ارتکاب جرم توسط حذف اهداف، تغییر قابلیت دسترسی و افزایش طبیعی کیفیت‌های نظارتی هم برای طراحی و هم برای طرح‌بندی می‌باشد. پوینر نیز از ایده جوامع مطلوب حکایت کرد و بیان نمود که برخی از مسئولیت‌های قانونی مشارکتی یا مدیریت مشترک برای خیابان‌ها باید در یک محله نیز به کار آیند. وی اظهار می‌دارد که ایجاد محله‌های همگن باید با جداسازی مسکن‌سازی از کاربردهای تجاری و مسکن‌سازی غنی از ضعیف تقویت گردد.

"کلمن" (۱۹۸۵) پژوهشی را با بررسی رابطه‌ی میان رخداد جرم و جنایت و طراحی محیط ساخت برای دفترخانه انجام داد. مانند نیومن و پوینر، او نیز یک رویکرد را اتخاذ نمود، وی پیشنهاد کرد که ساختارهای خاصی از طراحی، سطوح بالای جرم و جنایت و تفکیک و از کار افتادگی اجتماعی ترغیب می‌کنند. او ۲۸ متغییر خاص طراحی (۱۶ مورد برای آپارتمان‌ها و ۱۲ مورد برای خانه‌ها) را معرفی نمود که بر طبق نظر وی با تنزل تصاعدی محیطی، تکنیک خانواده، مشکلات بهداشتی و جرم و جنایت در ارتباط‌اند. وی ادعا می‌کند که با شدت یافتن هر یک از این متغیرها و از آنجایی که این متغیرها معمولاً به صورت ترکیبی رخ می‌دهند، محیط به تدریج خراب و خراب‌تر می‌شود.

کلمن استدلال می‌کند که با تغییر طرح‌های معماری به چیزی شبیه "هنجار تکامل طبیعی" در دوره بین جنگ، آداب و رسوم اجتماعی قابل توجهی برای انعکاس دوره جرم و جنایت پایین آغاز خواهد شد.

۶-۲- اصول شش‌گانه طراحی مسکن برای

کاهش جرم

این چنین به نظر می‌رسد که در میان گزینه‌های مطلوب طراحی برای کاهش جرم و جنایت اختلاف

مغازه‌های خاص یا چیزهایی خارج از مغازه و در پیاده‌رو (مانند تبلیغات یا جنس)، به عنوان نقاط کانونی مهمی برای بحث و تبادل اطلاعات همسایگان عمل می‌کنند. این چنین پاسبانی غیررسمی‌ای برای هر طرح پیشگیری از جرم مولفه لازمی به عنوان مثال برای دیده‌بان محسوب می‌شود.

۸-۲- همسایگان

اصل همسایگان و محله با اصل نظارت در ارتباط است. اکثر محققان و پژوهشگران به مقوله‌ی ایجاد حکومت مستقل ناحیه‌ای علاقه نشان می‌دهند؛ یعنی شناخت هویت افراد و مراقبت و حفاظت از محله خاص خودشان {را مد نظر قرار می‌دهند}. استدلال می‌شود که لایحه‌های طراحی که حس همسایگی یا اجتماعی بودن را پرورش می‌دهند، در ساخت احساس ناامینیتی مزاحمان سهم دارند؛ و از طریق آنها ساکنین می‌توانند بفهمند که چه کسی به محله تعلق دارد یا ندارد.

"گاردینر" (۱۹۷۸) امنیت محیط را مورد بحث قرار می‌دهد و آن را به عنوان یک روند طراحی برنامه‌ریزی شهری، تعریف می‌نماید که پیشگیری از جرم و جنایت را با طراحی محله و توسعه شهری ادغام می‌کند. این مسئله تنها با جزئیات طراحی صورت نمی‌پذیرد، بلکه برای کاهش ترس از جرم و جنایت به آموزش هم نیاز داریم. او اشاره می‌کند که مشکل اساسی در برخورد با "واحد محله" این واقعیت است که برای تعریف محله هیچ بعد قابل قبول، هیچ فرمول موجودی و یا مدل خاصی وجود ندارد. حدود همسایگان محلی برطبق تعریف فرد از آن تغییر می‌کند؛ برای مثال، کسی که بیشتر وقت خود را در منزل صرف می‌کند، نسبت به کسی که به کار خارج از خانه و به مرکز شهر می‌رود، تعریف متفاوتی از محله خواهد داشت. بیشتر پژوهش‌ها بر روی شهر داخلی متمرکزند، تراکم بالا نشان می‌دهد که امروزه کنترل غیررسمی اجتماعی انکان‌پذیر نیست، چرا که در محله‌های مدرن همبستگی چندانی وجود ندارد. گشاپلند" اظهار می‌دارد

نظریه‌ی وجود دارد، باید اشاره کنیم که در بین اصول کلی یک توافق جامع دیده می‌شود. در طول اندیشه‌ای پیوسته و مستمر از جبرگرایان محیطی گرفته تا آنهایی که به اثر محیط ساخت و ساز بر روی جرم و جنایت هم باورند، همگی به امر موافقتند که اگر راه‌حل‌های طراحی و طرح‌بندی بخواهند به موفقیت برسند، باید در محلی ویژه قرار بگیرند. همچنین بر روی مجموعه‌های لازم برای طراحی کاهش جرم نیز توافقاتی وجود دارد، در اینجا به بررسی شش مورد از این اصول کلیدی برای معماران، طراحان، برنامه‌ریزان و مدیران مسکن می‌پردازیم.

۷-۲- نظارت

اولین اصل بر روی نظارت طبیعی یا انفعالی مسکن‌ها و فضاهای عمومی اطراف متمرکز است. این مولفه اساسی‌ترین و ضروری‌ترین مولفه برای کاهش جرم و جنایت توسط آشکار ساختن مزاحمان می‌باشد. نظارت طبیعی می‌تواند این‌طور تعریف شود، تصویری که مردم دارند یا می‌توانند داشته باشند و نگاهی که به اموال خود و همسایگان شان «دارند». این ایده از نظرات از ورای اموال فردی یا همسایه‌ها به سمت فضاهای اشتراکی یا عمومی بسط می‌یابد، فضاهایی نظیر محل‌های بازی کودک، محل‌های پارک ماشین، فروشگاه‌ها و دیگر تسهیلات اجتماعی، پیاده‌روها و دیگر نقاط در دسترس. فرصت طلبان جرم و جنایت یا متخلفان بالثوه اگر احساس کنند که کسی ناظر آنهاست، به احتمال زیاد از خلاف خود می‌کاهند.

معماران و برنامه‌ریزان باید گزینه‌هایی را در نظر بگیرند که حداکثر امکان نظارت را به ساکنین و همسایگانش می‌دهند. این محدوده‌ی نظارتی فضاهای خاص خانه و بلوک‌های ویژه از جمله پارکینگ و محوطه‌ی بازی را در برمی‌گیرد که باید تعدادی از ساکنین به آنها تسلط داشته باشند.

"شاپلند" و "واگ" (۱۹۸۷، ۱۹۸۸) نیز همانند "جاکوبز" (۱۹۶۱) نشان دادند که فروشگاه‌های محلی،

مقیاس را می‌دهند و هم به تفکیک میان نواحی عمومی و خصوصی کمک می‌کنند. این ارتباطات بصری مردم را قادر می‌سازند تا هر فضای خاص را به کل شهر ربط دهند. او بر این باور است که مفهوم املاک خوابگاهی خیلی خصوصی که در حواشی شهرها قرار گرفته‌اند، ایده خصوصی بودن را خیلی بیشتر به سمت کویرهای شهری بسط می‌دهد و این فضاهای خصوصی بی‌استفاده باید دوباره عمومی شوند. از سوی دیگر، استفاده از طرح‌بندی‌هایی که در آنها خانه‌ها در خوشه‌های کوچک طراحی شده‌اند در راهنماهای طراحی به صورت گسترده (مانند شورای استانی "اسکس"، ۱۹۷۳) توصیه می‌شوند. در واقع هدف اصلی ایجاد محیطی است که مشوق مناسبات همسایگی باشد و از طریق آن نظارت طبیعی و خود پلیسی، مزاحمان را آشکار ساخته و در نتیجه جرم و جنایت را سست می‌سازد.

۱۰-۲- فضاهای مخفی بالقوه

اصل چهارم بحث انگیزتر است و به اهمیت حذف مکان‌های مخفی بالقوه توجه دارد: مکان‌هایی که مزاحمان می‌توانند در آنها کمین کنند و مرتکب اعمال خشونت‌آمیز گردند.

۱۱-۲- دیدگاه‌های بسیط و فراگیر

اصل پذیرفته شده پنجم شامل یک رویکرد جامع می‌باشد. طاحی و طرح‌بندی باید در رابطه با دیگر استراتژی‌های امنیتی در نظر گرفته شود. استراتژی‌هایی نظیر مقیاس‌های دشوارسازی هدف [منظور هدف مجرم در اراده به ارتکاب جرم است] و پلیسس غیررسمی در جامعه. این استراتژی‌های متفاوت باید در یک بسته جامع با هم ترکیب شوند. "آندروود" (۱۹۸۴) با در نظر گرفتن خراب کاری، پیشنهاد یک روش را داد که شامل المان‌های فضای دفاع‌پذیر و استحکام‌سازی و مدیریت می‌شد. NHBC (۱۹۸۶) گزارش خود را در این زمینه اعلام کرد که در اقدامات احتیاطی باید یک تعادل مشابه حفظ شود. آنها نشان می‌دهند که اقداماتی که باید صورت گیرند به ترتیب

که یک محله موفق جایی است که در آن یک فرد، یک شخصیت مشخص و اصلی و حقوق مالکیتی دارد، مانند کنترل داشتن بر کار و محیط اطراف، محله جایی است که به فرد احساس امنیت می‌دهد و مانند بخشی از خانه‌ی خود و محیطی امن محسوب می‌گردد، جایی که احساس اطمینان برای سرمایه‌گذاری ایجاد می‌نماید. محله دارای مرزهای فیزیکی مشخص و فردی را برای اشخاص تداعی می‌کند. این مکان سرویس‌های حمایتی عمومی و خصوصی معینی دارد (برای مثال جاده‌ها، مدارس، پارک‌ها، مغازه‌ها) که استانداردهای بیان نشده‌ی رفتاری آن براساس ارزش‌ها و دغدغه‌های گروه و منافع جامع مورد انتظارند. پوینر (۱۹۸۳)، مانند نیومن (۱۹۸۰)، درباره "جوامع مطلوب" بحث می‌کند؛ یعنی خلق محله‌های همگن با ساکنینی هم‌سن، با سبک زندگی و آرمان‌های مشابه. با وجود این که شکل‌گیری برخی از محله‌های اقلیت‌های مذهبی از این امر حمایت نمی‌کند، اما ایده همگنی کمتر نیز هنوز از جانب برخی محله‌های قابل شناسایی به صورت گسترده مورد حمایت قرار می‌گیرد.

۹-۲- فضاهای عمومی و شخصی

اصل کلیدی سوم، ارتباط نزدیکی با مفهوم محله دارد و بر روی اهمیت تمایز میان فضای عمومی و خصوصی متمرکز است. در همین حال اشاره دارد که رویکرد اولیه‌ی نیومن (۱۹۷۲) به طراحی امنیت، براساس یک فضای پیچیده‌ی سلسله مراتبی عمومی، نیمه‌عمومی و نیمه‌خصوصی و خصوصی بوده است. روش‌های دیگر طراحی امنیت نیز از راه‌های جایگزین برای سازماندهی فضا حمایت می‌کنند. هر چه قدر هم که رویکرد با گروه‌بندی و جهت‌گیری مسکن مطابقت داشته باشد، یک اتفاق نظر کلی در رابطه با اهمیت تمایز دقیق میان فضای عمومی و خصوصی وجود دارد. "هیلیر" (۱۹۸۸) نشان می‌دهد که شهرک‌های قدیمی و موفق از یک شبکه‌ی پیوسته‌ی فضاهای عمومی تشکیل شده‌اند. ارتباطات قابل رویت هم حس

اولویت عبارتند از:

- طرح‌بندی امن اماکن.
- امنیت مکان‌های خصوصی نظیر پارکینگ امن‌تر برای ماشین.
- مشکل ساختن ورود به خانه.

۱۳-۲- دیدگاه‌های مشارکتی

اصل ششم و آخر برای معماران و برنامه‌ریزان در درجه اول، در املاک بزرگ بخش دولتی در نظر گرفته می‌شود. در اینجا همکاری تمامی نهادهای وابسته بسیار مهم است. این همکاری دو جنبه دارد:

- اول اهمیت مدیریت روزانه‌ی املاک تکمیل شده.

- دوم گنجاندن مدیریت در فرآیند طراحی.

"پاور"، کسی که دپارتمان برنامه اولویت محیطی املاک را رهبری می‌کند، عقیده دارد، طراحی به تنهایی نمی‌تواند مشکل را حل نماید. برخی پژوهشگران، نظیر "لارنس" (۱۹۸۷) و "شاپلند" (۱۹۸۸)، افراد را به تفکیک موانع هم به صورت حرفه ای و هم به صورت عملی، فرا می‌خوانند؛ موانعی که در بین گروه‌های مختلف مردم است، کسانی که به مطالعه‌ی محیط‌های مسکونی می‌پردازند و همچنین آنهایی که آنها را طراحی مدیریت می‌کنند. "لارنس" نشان می‌دهد که یکی از روش‌هایی که بر روی شکاف میان معماران و مردم پل می‌زند، شکل‌گیری عملیات مشترک مسکن‌سازی است. از طرفی "پوینر" (۱۹۸۳) نشان می‌دهد که برخی از مدیریت‌های مشترک با مسئولیت‌های قانونی مشترک برای خیابان‌ها مشوق صفات و شخصیت انسانی در محله هستند و به همراه استراتژی‌های فضای دفاع‌پذیر به کاهش خطر جرم و جنایت کمک خواهد کرد. علاوه بر این شاپلند نیز به اهمیت همکاری میان وزارت کشور، سازمان محیط‌زیست و دیگر سازمان‌های مربوط به پژوهش در این زمینه اشاره می‌کند. او نشان می‌دهد که راهی که می‌توان از طریق آن به این مهم دست یافت، گنجاندن

مسائل طراحی محور به صورت استاندارد در هر بررسی آماری جرم و جنایت است. برای مثال، این مسائل می‌توانند به نسخه فعلی قالب کدگذاری پلیس معرفی شوند و منبع استنادی را برای آمارهای طراحی مربوط فراهم آورند. این امر طراحان را قادر می‌سازد تا با به دست آوردن اطلاعات مناسب به راحتی به طراحی بپردازند. در حال حاضر تنها جزئیات مربوط به مجرمان ثبت می‌شوند، نظیر سن، نژاد و جنسیت. در آینده باید امکان این به وجود آید که اطلاعاتی درباره‌ی خود جرم داشته باشیم. برای مثال مکان ارتکاب جرم، نوع خانه‌هایی که مورد حمله قرار گرفته‌اند یا نحوه ورود به آنها.

۳- روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر تحلیلی و اسنادی است که با بهره گرفتن از منابع و دست‌آورد‌های صاحب نظران بروز فعال در طراحی محیطی شهر منجر به کاهش جرائم شهری بر آن بوده که در پی تبیین موضوع روش‌ها و راه‌کارهایی را در راستای امر فوق، پیش‌رو گذارد. نتایج پژوهش حاضر بر پایه اسناد تحلیلی و تجارب کاربردی، مؤکد آن است که می‌توان بر این نکته اسرار داشت که از طریق طراحی مسکن شهری از میزان وقوع جرایم شهری کاسته می‌شود که در مقاله حاضر در قالب راه‌کارهای اجرایی و راهبردی مورد اشاره قرار گرفته است.

۴- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

هیچ راه استنادی وجود ندارد که بتوان آن را در طراحی مجدد املاک به منظور کاهش جرم به کار گرفت. هر ملک یا محله‌ای باید یک تجزیه و تحلیل دقیق داشته باشد و نقاط ضعف و قوت خود را به درستی بشناسد. طیف تمامی خدمات و تسهیلاتی که از فضا تخطی کرده‌اند، باید مورد مطالعه قرار گیرد. این موارد عبارتند از: طراحی، طرح‌بندی، امنیت فیزیکی، مدیریت، تعمیرات و نگهداری، سایت اجاره، پاسبانی، ترکیب مقیم و مستاجر، تراکم کودکان، امکانات بازی و

جاده بسازند، هر چند در کل پیشنهاد می‌شود که تا جای ممکن از راه پشت اجتناب شود.

محوطه‌سازی و مستقرسازی در رابطه با پیاده‌روها باید به گونه‌ای باشد که امنیت را تقویت کند. در جایی که محوطه در مجاورت پیاده‌رو است، قانون کلی این است که محوطه‌سازی از یک متر تجاوز نکند، بنابراین اطمینان حاصل کنید که مانع روشنایی نشود و یا فرمی نداشته باشد که جای مخفی بسازد.

نمونه‌های افراطی برای پیاده‌روهای کنترل نشده در املاکی دیده می‌شوند که در آنها بلوک‌ها، آپارتمان‌ها یا خانه‌های کوچک با نمایی کاملاً ساده در فضایی باز قرار گرفته‌اند. در این صورت با بستن فضای اطراف بلوک‌ها با یک باغ عمومی یا باغ‌های خصوصی برای خانه‌های همکف می‌توان دسترسی عمومی را محدود ساخت. در جایی که استفاده زیاد یا دید کلی به مسیرها نیاز نیست، مانند حالت راهروهای داخلی در بلوک‌های خطی، لازم است کاری کنیم که ساکنان تنها امکان دسترسی داشته باشند. مهم است که توجه داشته باشیم "خطوط مطلوب" تنها می‌توانند پس از یک دوره سکونت ایجاد شوند و انعطاف‌پذیری باید در طراحی وجود داشته باشد.

پارکینگ ماشین: پارکینگ باید برای به وجود آوردن اطمینان کافی از داشتن نظارت بر روی ماشین‌های پارک شده تا جای ممکن نزدیک به خانه صاحبان اتومبیل‌ها ساخته شود. اگر امکانش باشد باید در حیاط خانه گاراژهای شخصی ساخته شوند، ورودی این گاراژها باید برای ساکنین قابل رویت باشد. گاراژها و ورودی ماشین‌ها نباید دیدی مبهم و تاریک داشته باشد. در جاهایی که امکان اختصاص دادن فضای بزرگ‌تر به پارکینگ وجود ندارد، فضاها باید به گروه‌های کوچک‌تری تقسیم شوند و در نتیجه ساکنان می‌توانند ماشین‌ها و ساکنان آنها را بشناسند و در نتیجه به خوبی مزاحمان و غریبه‌ها را تشخیص دهند. فضاها پارکینگ غیراختصاصی باید در محلی خارج از جاده،

جوانان، نور، سلسله مراتب حمل و نقل و تسهیلات اجتماعی.

مسائل ایمنی و امنیتی نمی‌توانند در خلاء مورد توجه قرار گیرند و لازم است که پیش از قدم گذاشتن در برنامه‌ی بهبود و پیشرفت، تصویری از مشکلات داشته باشند. مردم از گروه‌های اقلیت‌های قومی به ویژه در برابر جرم و جنایت، آسیب پذیرترند. این مسئله نسبت به محله‌های مرفه‌تر، بیشتر در فضاهای محروم با میزان بالای جرم و جنایت دیده می‌شود.

افراد مسن غالباً به اندازه‌ی جرم و جنایت نگران بی‌تمدنی هستند. از این رو برخی از مقامات محلی می‌توانند با اعطای امتیازاتی به ساکنین مسن و کم درآمد امکان خرید تجهیزات ایمنی و نصب آنها را برای این افراد فراهم آورند. از طرفی مدیران مسکن و صاحب خانه‌ها نیز در فواصل زمانی منظم نحوه‌ی استفاده از این تجهیزات را برای آنها یادآوری کنند و هویت تماس‌گیرنده‌ها را برای آنها بررسی کنند.

راجع به فضاهای باز عمومی: بهتر است مکان‌ها با کوچه‌های بن‌بست طراحی شوند و جاده‌ها ترافیک آرامی داشته باشند تا کودکان به بازی در خیابان تشویق شوند. باید در نظر داشت جهت تهیه فضاهای بازی، فضاها کوچک و تحت نظارت طبیعی باشند و در عین حال به خانه‌های ساکنان نزدیک باشند.

در مبحث پیاده‌روها: پیاده‌روها بایستی محدود و با کاربرد و نور مناسب برای ملک در نظر گرفته شود. ایده‌آل این است که پیاده‌روها از جانب برخی از خانه‌ها یا ورودی ساختمان قابل رویت باشند. در تحولات جدید، باید از پیاده‌روهای غیرضروری، به‌ویژه آنهایی که جاده‌های ماشین‌رو را دنبال نمی‌کنند و پیاده‌روهای جداگانه را الزامی می‌سازد، آنها باید کوتاه، مستقیم و با نور خوب ساخته شوند. از کوچه‌های بلند و تاریک با هر هزینه‌ای باید اجتناب کرد و وقتی دسترسی از پشت به املاک هم ردیف لازم باشد، مسیرها نباید با هم یک

محوطه: محوطه‌سازی، در ساختن محیطی دوستانه و خوشایند نقش مهمی ایفا می‌کند. محوطه‌سازی نباید از دید پیاده‌روها بکاهد و همچنین نباید مناطق دنجی برای فعالیت‌های مزاحمان فراهم آورد. محوطه‌سازی و کاشت گل و گیاه باید امنیت پیاده‌روها را تقویت کند و در صورتی که در مجاورت پیاده‌روست، به عنوان یک قانون کلی نباید از ۱ متر تجاوز کند. کاشت گل و گیاه باید به گونه‌ای باشد که گیاهان بلند جلوی دیوار هر و گیاهان کوتاه‌تر و درختچه‌ها در مجاورت پیاده‌روها کاشته شوند. درختچه‌های بلند و درخت‌ها نباید رو به روی دروازه‌ها، ورودی‌ها و پنجره‌ها قرار بگیرند. در پشت درختان بلند و پر حجم راحت‌تر می‌توان ورودی را شکست و داخل شد. برای امنیت عمومی محوطه‌ها، درخت‌ها نباید پنهان باشند و شاخه‌های آنها در نقاط بحرانی نباید پایین‌تر از ۵/۱ متر بیایند (برای حفاظت از خود درختان بهتر است که شاخه‌هایشان زیر ۴/۲ متر نباشد). کاشت ماهرانه‌ی گیاهان خودرو نیز می‌تواند مانع نقاشی‌های دیواری گردد.

در هر صورت، طراحی نباید مناطق غیرقابل نظارت و پوشیده ایجاد کند. مشکلات امنیتی و جرم و جنایتی، معمولاً در جاهایی که بالکن‌های بلند با قابلیت دسترسی و گردشگاه‌های بهم پیوسته وجود دارند، تشدید می‌گردد. در بلوک‌های چند طبقه، میزان امنیتی که برای سکنه فراهم می‌آید، باید به میزان خطر و کفایت امنیت در ورودی بلوک و نواحی اشتراکی بستگی داشته باشد.

در طراحی فضاهای شخصی: در صورت امکان تمام خانه‌های هم کف باید یک باغ در جلوی خود داشته باشند و طراحی باید از این مسئله اطمینان حاصل کند که مالکیت فردی به آسانی مشخص باشد. گفته می‌شود باغ جلوی خانه یک منطقه حائل نیمه خصوصی میان فضای خصوصی خانه و فضای عمومی پیاده‌رو به وجود می‌آورد؛ جامعه تشخیص می‌دهد که این ملک به

کوچک، خصوصی و با نوری خوب قرار گیرند و نظارت طبیعی بر آنها حاکم باشد و تا جای ممکن نزدیک به خانه‌ها باشند. این پارکینگ‌ها بهتر است در خیابان باشند تا در پشت درختان واقع شوند. گزارشات پلیس عنوان می‌کند که یک چهارم جرم‌های گزارش شده توسط موتورسواران صورت می‌گیرد. آنها استدلال می‌کنند که یک دلیل برای این شکل گرایش اخیر پنهان بودن ماشین‌ها از انظار عمومی است.

روشنایی خارجی: تحقیقات در برخی کشورها و همچنین در آمریکا، نشان می‌دهد که در برخی شرایط بهبود روشنایی خارجی می‌تواند به کاهش جرم و جنایت و کمتر کردن میزان ترس از جرم و جنایت کمک کند. روشنایی موثر احساس در معرض دید بودن مزاحمان را افزایش داده و شانس شناسایی و ردیابی آنها را بالا می‌برد. روشنایی موفق و مناسب همچنین باعث قوت قلب شده، از حوادث پیشگیری کرده، به جهتیابی کمک کرده و یک سازگاری با ارزش را پدید می‌آورد. اطمینان پیدا کردن از این مسائل حائز اهمیت است که روشنایی خیره‌کننده نباشد و حفره‌های تاریکی پدید نیآورد که این موارد نیز خودشان مشکل آفرینند.

انداختن در صورت افراد به شناسایی آنها از راه دور کمک می‌کند و این امر به‌ویژه در پارکینگ‌های زیرزمینی و پیاده‌روها اهمیت پیدا می‌کند؛ بنابراین لامپ‌ها باید بر روی دیواره‌ها و نه در سقف، نصب شوند. در جایی منافع وسایل نقلیه و پیاده‌ها تناقض وجود دارد، نیازهای افراد پیاده اولویت دارد. شواهد محدود پژوهش‌ها نشان می‌دهند که ۴۵٪ از جرم و جنایت‌های خیابانی و شبانه زمانی رخ می‌دهند که لوکس نوری پنج یا کمتر از آن باشد. در حالی که میزان روشنایی ۲۰ لوکس یا بیشتر است، تنها ۳٪ جرم و جنایت شبانه رخ داده است. میزان روشنایی برای خیابان‌های فرعی نباید کمتر از ۵ لوکس باشد و برای اکثر معابر در محلات گوناگون بیش از ۱۵ لوکس نیاز نیست.

صاحبانش تعلق دارد، بنابراین هر کس که بدون در زدن وارد شود رفتاری مشکوک دارد.

دیوارهای بلند دور ملک باید خط دقیق حریم را در میان باغ و پیاده‌رو دنبال کنند و بدون ابهام بین فضای عمومی و خصوصی به وجود آورند. دیوارهای بلند مانعی برای نظارتند، در حالی که دیوارهای کوتاه یا نرده‌ها نیز در برابر حیوانات و کودکان غیر قابل کنترلند. طرح‌بندی باید به گونه‌ای طراحی یا اصلاح گردد که غریبه‌ها یا افراد جهت تحویل، جمع‌آوری و خواندن اطلاعات لازم نباشد وارد حریم خصوصی خانه شوند. کنتورها باید در جایی قرار بگیرند که برای خواندن آنها نیازی به ورود به بخش حفاظت شده‌ی خانه نباشد. همچنین باید در جایی باشند که مامور مربوط به خواندن آن کاملاً در تیررس دید باشد؛ در این رابطه سرقت‌هایی به عنوان نمونه گزارش شده‌اند که به‌وسیله‌ی قطع برق از کنتورهای بیرونی به بهانه‌ی بررسی کردن آن صورت گرفته‌اند.

ساختمان نباید راهی برای دسترسی به پشت آن از قسمت جلو داشته باشد. دسترسی به پشت ساختمان باید از طریق دروازه‌های قفل شو بلند یا از میان گاراژ صورت بگیرد. خانه‌های مجاور در صورت امکان نمایی ناگسستنی داشته باشند، هر خلاءای امکان خراب کاری بیشتر به مزاحمان در پشت ساختمان را می‌دهد.

برای مسکن‌های انفرادی: بهترین حالت برای مسکن‌های انفرادی این است که ساکنین بتوانند ببینند که بیرون از خانه‌هایشان چه اتفاقی می‌افتد؛ نه تنها برای ردیابی مزاحمان در حریم خصوصی خودشان یا برای مراقبت از ماشین‌هایشان، بلکه برای مراقبت از خانه‌ها و وسایل نقلیه‌ی همسایه‌ها. بنابراین جلوآمدگی نمای ساختمان که مانع دید می‌شوند باید به‌صورت ویژه مورد توجه قرار گیرند. وقتی چگونگی فراهم آوردن خطوط نظارت‌های طبیعی در جلوی واحدهای ساختمانی مورد توجه باشد، طراحی پنجره‌ها یک فاکتور مهم محسوب می‌گردد. پنجره‌های بالکنی

ساختارهای مطلوبی هستند و مسیرهای نظارتی خوبی به وجود می‌آورند. پنجره‌های کوچک، یا پنجره‌های بالای خط دید در جلوی ساختمان نباید قرار گیرند، باید برای آنها از شیشه‌های یخی یا طرح‌دار استفاده کرد. درهایی که با عقب نشینی ساخته می‌شوند می‌توانند پوششی برای مزاحمان باشند و از ساخت آنها باید اجتناب ورزید.

طراحان باید از هر چیزی که بتوان با استفاده از آن به نردبان دسترسی پیدا کرد اجتنای نمایند. برای مثال، جایگاه جمع‌آوری زباله‌ها یا ذخیره‌سازی سوخت باید به دقت تعیین شود، باید به جایگاه دیوارهای مرزی، سقف‌های مسطح، شیروانی‌ها و ایوان‌ها دقت کرد. معمولاً برای افزودن به زیبایی بلوک‌های بلند از پیش آماده‌گی و یا عقب نشینی استفاده می‌شود. اینها می‌توانند به عنوان پله مورد استفاده قرار گیرند و جایی مخفی برای مجرمان. معمولاً وقتی از جنبه امنیتی صحبت می‌شود تا ارتفاع ۵/۲ متری از سطح زمین بهتر است دیناری صاف داشته باشیم. این امر می‌تواند نظارت طبیعی را افزایش داده و از مورد استفاده قرار گرفتن این ساختارها توسط مجرمان بکاهد. شیروانی‌ها و ناودان‌ها باید طوری باشند که نتوان برای بالارفتن، دزدی یا خراب کاری از آن استفاده کرد. اگر امکان طراحی مجدد یا جابه‌جایی وجود نداشته باشد، به عنوان آخرین راه‌حل ویژه در مکان‌های خاص و آسیب‌پذیر می‌توان از موانع فلزی یا نقاشی غیرتنظیمی استفاده کرد.

پیشنهاد این مسئله که طراحی و طرح‌بندی بهتر، به تنهایی راه‌حلی را برای مشکلات جرم و نایت و امنیت در طرح‌های توسعه‌ی موجود و یا جدید ارائه کند، کل فاکتورهای اقتصادی و اجتماعی را در بر نمی‌گیرد، یعنی تمام فاکتورهایی را که می‌توانند در میزان جرم در یک ناحیه تاثیرگذار باشد تحت پوشش قرار نمی‌دهد. طراحی دفاعی در پیشگیری از جرم نقش دارد، اما فاکتورهایی نظیر بیکاری، فقر، تنش‌های

اضافه کند، چنانچه فراهم آوردن تمام آن مولفه‌ها باید در طول طراحی در نظر گرفته شود. در کشور ما نیز نیروی انتظامی، در کنار سایر ارگان‌های مسئول، مسئولیت خطیر برقراری امنیت عمومی را عهده‌دار بوده و با فعالیت‌های متنوع خود در فراهم نمودن محیطی امن، توأم با آسایش فردی برای اقشار مختلف اجتماع نقش دارد. بی‌شک این نیرو زمانی با موفقیت خواهد توانست به این هدف برسد و به نحو شایسته به آن جامه عمل پوشاند، که مشارکت فعال آحاد جامعه و نیز نهادهای مختلف را در پی داشته باشد. بنابراین، پیشنهاد می‌گردد، جهت شناخت و تغییر شاخص‌های تأثیرگذار بر پیشگیری و کاهش جرائم شهری، بررسی علمی انجام گیرد تا بدین وسیله پلیس با آگاهی از چگونگی عملکرد و خدمات ابواب جمعی خود، بتواند در تأمین نظم، استقرار و نگهداری امنیت شهرها و جامعه پرتوان و ساعی تر باشد.

اجتماعی و مدیریت ناکارآمد را نیز نمی‌توان به راحتی از طراحی کنار گذاشته شوند. می‌بایست یک دیدگاه جامع برای امنیت جامعه در نظر گرفته شود که شامل سیاست‌های مدیریتی حساس باشد.

صاحب نظران اخیر طراحی معتقدند که طراحی باید با دیگر فاکتورها وفق داده شود، که مهم‌ترین آنها حضور داشتن ساکنین در تصمیم‌گیری‌ها و کیفیت خدمات محلی می‌باشد. بدون تعامل میان رویکرد جامع امنیت اجتماعی و بهبود اجتماع و توسعه مدیریت، انرژی و منابع به هدر خواهند رفت. طراحی نقش خود را در پیشگیری از جرم ایفا می‌کند اما لزوماً همه چیز نیست.

دلیل مهم حضور مقیاس‌های امنیتی در مرحله‌ی طراحی ارزان‌تر بودن آن است. اگر از اول این کار در نظر گرفته شود بهتر از آن است که بعدها با هزینه‌ای دیگر به آن پرداخته شود. در طراحی مسکن، امنیت یکی از صدها فاکتوری است که می‌باید مورد توجه قرار گیرد. در عین حال این مسئله نباید هدف اصلی باشد، اما شاید در حال حاضر اولویت بالایی داشته باشد. طراحی برای بازدارندگی نباید لزوماً از طراحی و طرح‌بندی ساختمان بکاهد یا به آن موارد بیش از اندازه

۵- منابع

۱. پل استولارد، (۱۳۹۰). *پیشگیری از جرم از طریق طراحی مسکن*، ترجمه: هاشمی، سید مناف و حسین پور، سید علی، انتشارات طحان هله، چاپ اول.
۲. تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳). *مطالعات امنیتی نوی*. ن ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. روی، پل (۱۳۸۲). *معمای امنیت اجتماعی*. ترجمه منیژه نویدنیا، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۲۱.
۴. ساروخانی، باقر (۱۳۸۱). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد اول، اصول و مبانی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۵. کلاهچیان، محمود (۱۳۸۴). *راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی*، (مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی). معاونت اجتماعی ناجا. تهران: گلیونه.
۶. کیوان حسینی، اصغر (۱۳۷۹). *دوازده نکته محوری در باب امنیت*. فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، سال

هفتم، ۸۵-۸۴، شماره ۲۵

۷. لنگ، جان. (۱۳۸۳). آفرینش نظریه معماری. ترجمه: علیرضا عینی فر. تهران: نشر دانشگاه تهران. چاپ سوم.
۸. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳). *وندالیسم: مبانی روانشناسی اجتماعی*. تهران: انتشارات آن. چاپ سوم.
۹. مرتضوی، شهرناز (۱۳۸۰). *روانشناسی محیط*. انتشارات بهشتی. چاپ دوم. تهران.
۱۰. فلیک، یو (۱۳۸۲). *درآمدی بر پژوهش های کیفی در علوم انسانی*. ترجمه: عبدالرسول جمشیدیان. سیدعلی سیادت، رضا علی نوروزی. نشر سما قلم.

11. H.Goldstein, (2003). "problem Oriented Policing", cited in J.Knustsson, "Problem Oriented Policing " in crime Prevention Studies, Vol.15.
12. H.Goldstein, (2003). " On Further Developing Problem Oriented Policing ... "in Crime Prevention Studies, Vol.15.
13. Design", Beverly Hills, CA (1971). Sage Publications, PP.54_ 87.
14. Newman, O., (1972). "Defensible Space: Crime Prevention Macmillan, Through Environmental Design"; New York, And NA.
15. Mitar, M. (1996). *Assessment of societal security in recent past and today*. Slovenia:
16. College of police and security studies / www.ncjrs.org/internet Roe, P. (2005). *Securi za ons & minority rights: condi ons of desecuri za on*. Central.
17. European University, Budapest, Hungary/www.sdi.sagepub.com/internet. Watson, S. (2004). *Agents in search of an actor: Societal security for the –Pales nians and Turkish Kurds*. New York: Columbia University Press.
18. Underwoody ,G.(1984). *the Security of Buildings* , Architectural Press Ltd , London .
19. Alltat , P . (1984). *Residential security :containment and displacement of burglary*, Howard Journal of Penology and Criminology, 23 (2) , 9.
20. Bennett ,T . and Wright , r . (1984). *Burglary* , Prevention and the Offender , Gower.
21. Clarke , R . et al . , (1985). *Elderly victims of crime and exposure to risk* , Howard Journal of Criminal Justice , 24 (1) , 1-9.
22. Jackson , H . and Winchester , S . W . C . (1982). *which Houses are Burgled and Why ?* In Home Office Research Bulletin No 13 , (eds R . Walmsley ,and L . Smith) , Home Office Research and Planning Unit , London.



نحوه ارجاع به این مقاله:

رجبی ثانی، محمد. زیاری، کرامت اله. (۱۳۹۹). بررسی ترندهای طراحی سکونتگاههای مسکونی جهت ارتقا امنیت محیطی، شهرسازی ایران، ۳ (۴)، ۳۶-۴۹.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Iranian Urbanism Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

URL: <https://www.shahrsaziiran.com/1399-3-4-article4/>